

بررسی عوامل بازدارنده رشد و تحول صنعت جواهرات در ایران

* امیرحسین مجتهدزاده، دانشجوی کارشناسی رشته صنایع دستی، مرکز آموزش عالی میراث فرهنگی، دانش آموخته پترولوژی، گوهرشناس، jasper_iran@yahoo.com

چکیده

امروزه بازار و صنعت جهانی جواهرات با توجه به حجم بالای گردش مالی و پیشرفت‌های علمی و فناوری خود، به سرعت دچار تحول و پیشرفت شده و جنبه‌های جدیدی را در تمامی عرصه‌ها پیش روی مخاطبان خود قرار داده است. متأسفانه ایران در طی چندین دهه گذشته به علت برخی کاستی‌ها و نواقص، از سیر شتابان تحولات در صنعت جهانی جواهرات باز مانده و جایگاه تاریخی خود را به تدریج از دست داده است. بازار سنتی جواهرات کشور و ضعف‌های مهارتی و علمی فعالان این حوزه، در کنار خلاءهای قانونی و اجرایی از عمده عوامل مؤثر بر ضعف ایجاد شده در این صنعت می‌باشند. لذا ضروری است که با شناسایی کمبودها و تلاش برای مرتفع ساختن آنها، تحولی همه‌جانبه و بنیادین در مقوله علم و صنعت جواهرات کشور ایجاد گردد تا با بهره‌گیری از پتانسیل‌های موجود، بتوان جایگاه شاخص و براننده‌ای را برای صنعت جواهرات کشور در عرصه بین‌المللی کسب نمود و از ارزش افزوده بالای این صنعت در جهت رشد و شکوفایی اقتصاد کشور سود جست.

کلیدواژه: جواهرات، ایران، گوهر، بازار، تحول،

مقدمه

صنعت جواهرات در ایران از پیشینه چند هزارساله برخوردار بوده و علاقه ایرانیان به گوهرها و جواهرات، ریشه‌ای عمیق در باورها، اعتقادات و سلیق آنها دارد. ایران به جهت جایگاه زمین‌شناسی خود از حیث ذخائر معدنی مرتبط با سنگ‌های قیمتی (الماس، زمرد و یاقوت) کاملاً فقیر بوده و نیاز خود را صرفاً از طریق واردات تأمین می‌نماید اما در بخش سنگ‌های نیمه قیمتی، کشور ایران دارای منابع غنی، متنوع و گاه منحصر به فرد، همچون فیروزه می‌باشد که پتانسیل سرشاری را در حوزه صنعت و تجارت جواهرات برای کشور فراهم آورده است. اما متأسفانه این پتانسیل بالقوه به علت برخی کاستی‌ها، عرصه مناسبی را برای بروز و شکوفایی به دست نیآورده و با محدودیت‌های بسیاری مواجه است. باید پذیرفت که در صنعت جواهرات کشور، طی چندین دهه گذشته، عقب‌ماندگی شدیدی نسبت به سیر تحولات جهانی به وجود آمده که این موارد، ایران را از رسیدن به جایگاه اصلی مورد انتظار به دور داشته است.

روش مطالعه

مقاله پیش رو تحقیقی کاربردی در حوزه صنعت جواهرات و سنگ‌های قیمتی و نیمه قیمتی می‌باشد که در آن تلاش می‌شود تا با تکیه بر تحقیقات میدانی و مطالعات صورت گرفته، به واکاوی معضلات و موانع موجود در بخش گوهر ایران پرداخته و در حد بضاعت به معرفی و ارائه راهکارهایی کاربردی برای اصلاح نواقص موجود بپردازد. شناسایی موانع باعث



می‌شود تا تهدیدات، فرصت‌ها، نقاط ضعف و قدرت این مبحث به خوبی ارزیابی شده و راهکارهایی عملی در جهت اصلاح وضع موجود ارائه گردد. در ادامه به‌طور مختصر به بررسی برخی از عوامل پرداخته خواهد شد که از دید نگارنده به‌عنوان معضلات اصلی پیش رو این صنعت شناخته می‌شوند.

۱- سنتی بودن بازار جواهرات ایران

در ابتدای امر می‌توان به اصلی‌ترین معضل بازار جواهرات ایران، یعنی سنتی بودن این بازار اشاره نمود. به جرأت می‌توان گفت که بخش اعظمی از بازار جواهرات ایران، چه در حوزه خریدار و چه در حوزه فروشنده، از علم روز جواهرات به دور بوده و شناخت چندانی با مبانی و اصول جواهرات ندارند و تنها بر پایه شنیده‌ها و دانسته‌های سینه‌به‌سینه و پیشین خود، به خرید و فروش و ارزیابی آیتم‌ها اقدام می‌نمایند. در طی نیم‌قرن اخیر، تکنیک‌های فرآوری، تراش و شناخت و ساخت گوهرها متحول شده و روند رشد بسیار سریعی را در این شاخه ایجاد نموده است، اما عدم آشنایی بخش بزرگی از دست‌اندرکاران این صنعت با علم روز جواهرات، نوعی خلاء در هماهنگی و همخوانی را بین سطح بازار داخلی و جهانی به وجود آورده. عدم شناخت باعث می‌شود که یکی از پایه‌های بنیادین این صنف، یعنی مقوله اعتماد و اطمینان، دچار تزلزل شده و آینده این صنعت را تهدید نماید. از سوی دیگر عرضه، تقاضا را ایجاد می‌کند. خریداران در بسیاری از شاخه‌های تجارت، از دانش فنی کمتری نسبت به فروشندگان و عرضه‌کنندگان برخوردار هستند. این امر باعث می‌شود تا عرضه‌کنندگان بتوانند با ایجاد نیازها و خواسته‌های جدید برای مخاطبان، جهت‌دهی بازار را هدایت نمایند. اما امروزه خریداران و مخاطبان به علت عدم به‌روز بودن عرضه‌کنندگان، از بخش بزرگی از واقعیات و عرصه‌های جدید این حوزه محروم و بی‌اطلاع مانده و در نتیجه جنبه‌های جدیدی را در پیش روی خود نمی‌بینند.

۲- عدم شفاف سازی صحیح در بازار

شفافیت و اطمینان در حوزه جواهرات باعث می‌شود تا یک بازار سالم و پویا شکل گرفته و بالنده گردد. اما این یک حقیقت است که اغلب مواقع در بازار جواهرات، بسیاری از حقایق از خریداران مخفی نگه‌داشته شده و گمان می‌رود که افزایش آگاهی، کاهش فروش را به همراه داشته و ضرر مالی ایجاد می‌نماید. مثال این مورد در آمریکا در سال ۱۹۹۷ به وقوع پیوست، در پی پخش یک مستند تلویزیونی، خریداران به یک‌باره با شیوه‌های بهسازی معمول در زمرد آشنا شدند که مدت‌ها در حال انجام بوده و خریداران از وجود آن بی‌اطلاع بوده‌اند. این مستند باعث شد تا اطمینان خریداران از بازار سلب شده و برای مدت‌ها آمار فروش زمرد با افت شدید مواجه گردد. این افشاگری باعث شد تا طی چند سال و صرف زمان و هزینه بسیار، فعالان این حوزه مجدد بتوانند اعتماد از دست‌رفته مخاطبان را جلب نمایند. آنها با کمک مقالات، بروشورها و اطلاع‌رسانی در سطح کلان توانستند تا ماهیت کانی‌شناختی زمرد را برای مخاطبان بشکافند و ضرورت انجام برخی بهسازی‌ها را برای بهبود کیفیت ظاهری دسته‌ای از نمونه‌ها توجیه نمایند، همین امر باعث شد تا سیاست‌های



بخش جواهرات در آمریکا با تحول بنیادین مواجه شده و به مرحله‌ای برسد که امروزه، هر حقیقتی که در خصوص گوهر وجود دارد، می‌بایست حتماً به اطلاع خریدار رسانده شود.

۳- لزوم وجود قوانین و دستورالعمل‌های اجرایی و تشکیل نهادهای نظارتی و تحقیقاتی

در هر مجموعه‌ای با حساسیت مالی و حجم دادوستد بالا، ضرورت وجود یک قانون و شیوه‌نامه جامع، کامل و همچنین قوی از لحاظ ضمانت اجرایی، ضروری بوده و تشکیل نهادهای نظارتی مطلع، به‌روز و کارآمد را ایجاب می‌نماید، اینها اهرم‌هایی هستند که کنترل و امنیت روانی و ماهیت صنعت جواهرات را تضمین خواهند نمود و در کنار آن، مراجع تخصصی و شاخص نظارتی نیز می‌توانند نحوه پیاده‌سازی و اجرای قوانین را رصد نموده و به اختلافات پیش‌آمده در این مباحث ورود نمایند. در ادامه لزوم استانداردسازی و ایجاد و تبلیغ مؤسسات تحقیقاتی در حوزه جواهرات نیز از بازوهای اجرایی مهم در این بخش به شمار می‌رود. با توجه به وسعت و تنوع مطالب مرتبط و پیشرفت‌های موجود، خلاء ایجاد مؤسسات مدرن تحقیقاتی در بخش گوهرشناسی به شدت احساس می‌شود. مؤسساتی معتبر که با امکانات فوق پیشرفته و کادر مجرب بتوانند به‌عنوان مرجع رسمی در بخش صدور شناسنامه و یا ارزیابی و صدور گواهی‌های قانونی، به فعالیت پرداخته و به یکی از ارکان خدشه‌ناپذیر و مورد وثوق این صنعت بدل شوند و با سازوکاری هماهنگ و یکسان در سراسر ایران، جنبه علمی و تحقیقاتی این حوزه را تضمین نمایند.

۴- لزوم توجه مضاعف به مقوله تراش گوهر

یکی از واقعیات بازار جواهرات ایران، ضعف شدید در حوزه تراش فست و فانتزی است. بخش اعظمی از ارزش‌افزوده در حوزه جواهرات در بخش تراش ایجاد می‌شود و می‌تواند ارزش نمونه‌ی خام را به‌شدت ارتقاء دهد. میزان این ارزش‌افزوده در بخش تراش فست و فانتزی قابل قیاس با تراش دامله نبوده و از جایگاه بسیار برتری برخوردار است. ساده بودن نسبی ابزار تراش دامله و کم‌هزینه بودن فرآیند آن و سبک رایج زیورآلات باعث شده تا گرایش غالب بازار به این سمت هدایت شود، اما در مورد تراش فست و فانتزی، ابزارآلات تراش، محاسبات، فرآیند پیچیده برش و کمبود اساتید متخصص و هزینه بالای آموزش باعث می‌گردد تا نیروی حرفه‌ای در این بخش به‌ندرت وارد شده و کمبودی جدی را در این بخش ایجاد نماید. از سوی دیگر سلیقه و ذائقه مخاطبان توسط جهت‌دهی بازار، محدود شده و اغلب به نمونه‌هایی با تراش دامله منحصر می‌گردد. بازارهای مهم جواهرات نیمه قیمتی ایران در کنار اماکن متبرکه و مذهبی شکل گرفته‌اند و سلیقه ایجاد شده توسط این بازارها مسیر تحول این بخش را مشخص می‌نماید، لذا بخش وسیعی از گوهرها، بنا بر نیاز این بازار به سبک دامله تراش داده می‌شوند تا بتوانند نیاز این بازارهای مهم را تغذیه نمایند.

۵- مبحث آموزش و تربیت نیروی خبره در شاخه‌های مرتبط

در تمامی مقولات مربوط به جواهرات، خواه در مباحث آغازین همچون معدنکاری و خواه در مقوله فروش و خدمات پس از فروش به‌عنوان مراحل پایانی فرآیند، وجود نواقص بنیادین به‌وضوح قابل مشاهده و رصد می‌باشد که این امر ضرورت ایجاد یک نگاه نوین و کارآمد در بخش آموزش را الزامی می‌نماید. نبود بحث آموزش سیستماتیک و یکپارچه به‌عنوان



خلاء مهمی در این بخش خودنمایی می‌کند و اختلاف بسیار مشهودی را در سطح کار پدید می‌آورد. تعدد آموزشگاه‌ها، تعدد شیوه‌های آموزشی و وجود نهادهای تصمیم‌گیرنده موازی در این بخش در کنار شیوه سنتی آموزش یا به عبارتی ساده‌تر، شیوه استاد و شاگردی، باعث شده تا نیروی کار متخصص و حرفه‌ای با دانش مکفی یکسان و سطحی علمی مشابه، در طی این سال‌ها تربیت نشده و به بازار کار تزریق نگردد. ارتباطات میان‌رشته‌ای نیز از دیگر جنبه‌های سودمند در عرصه آموزشی می‌باشد. برقراری ارتباطات میان رشته‌ای، همچون هنر، زمین‌شناسی، فیزیک، شیمی و رشته‌های فنی و مهندسی، می‌تواند کمبودهای این صنعت را با کمک همپوشانی مباحث مشترک علمی، مرتفع سازد.

۶- کمرنگ بودن تمایل به نوآوری و تحول در بازار جواهرات

پیروی از سبک‌های موجود چندین ساله در صنعت جواهرات، به‌نوعی این شاخه را دچار عقب‌ماندگی کرده و مانع پویایی آن شده است. امروزه توجه بخش بزرگی از صنعت جواهرات جهان به وسایلی غیر از زیورآلات روزمره همچون انگشتر و گردنبند معطوف شده و جنبه‌های جدیدی از کاربرد جواهرات را معرفی می‌نمایند که متأسفانه در کشور، این بخش مورد توجه چندانی قرار نگرفته است. استفاده از گوهرها در کنار نبوغ و طبع هنرمندان ایرانی می‌تواند شاخه‌های جدیدی را به موازات مبحث زیورآلات کلاسیک در صنعت جواهرات ایران وارد نماید. از سوی دیگر در بخش زیورآلات، نیمی از جامعه، یعنی گروه جنسیتی مذکر، به علت دیدگاه‌های سنتی، در استفاده از جواهرات مدرن و تراش‌هایی غیر از دامله به شدت محدود شده اند و تنوع چندانی را برای انتخاب پیش روی خود نمی‌بینند. عرضه طرح‌های جدید، با در نظر گرفتن محدودیت‌های شرعی، باعث می‌شود تا حجم بزرگی از تقاضا توسط این مخاطبان به بازار وارد گردد.

۷- نبود برند سازی و عدم گرایش به هدف گیری بازارهای منطقه ای و بین المللی

جز برندهای انگشت‌شمار که با قدرت در این مبحث فعالیت می‌نمایند، مقوله برندسازی و برندینگ در حوزه جواهرات با کاستی‌های بسیاری روبرو است. عدم ریسک‌پذیری و غیررقابتی بودن سطح کمی و کیفی کارها و محدودیت‌های قانونی و فن‌آوری باعث شده تا در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی، برندهای ایرانی بسیار محدود عمل نمایند. اما با توجه به سطح هنری و ایده‌های بکر و ناب هنرمندان ایران و با کمک به روز رسانی دانش فنی و تکنیکی و همراهی نیروی کار متخصص، به راحتی می‌تواند بر محدودیت‌های به وجود آمده چیره شد و سبک و طرح ایرانی را که در سایر عرصه‌های هنری، هواخواهان بسیاری دارد، در پیکره این صنعت نیز تزریق نمود.

۸- عدم ارتباط با فعالان معتبر در عرصه بین الملل و نبود تمرکز بر ارتقاء سخت افزاری

پیرو مطالب عنوان شده، باید این حقیقت را بپذیریم که کشور ایران در بسیاری از جنبه‌های صنعت جواهرات، از مسیر تحولات و پیشرفت جهانی عقب‌مانده و همگام‌سازی در این دوره تنها بوسیله همکاری‌های مشترک بین‌المللی با مؤسسات و مجموعه‌های معتبر میسر خواهد بود. به کمک برقراری ارتباطات مناسب و دو طرفه می‌توان هم در بخش آموزش و هم



در بخش دانش فنی و تکنیکی، سطح فعلی را پیشرفت داد و این عقب‌ماندگی را با سرعتی معقول جبران نمود. در مبحث سخت‌افزاری نیز لزوم بهره‌مندی از دانش روز و بومی‌سازی این تکنولوژی و فن‌آوری‌های موجود، از الزامات احیا صنعت جواهرات در ایران می‌باشد.

۹- معضل قاچاق و واسطه‌گری ناسالم و اشکالات قانونی در راه صادرات و واردات

از آنجایی که ایران در بخش سنگ‌های قیمتی (الماس، زمرد، یاقوت) و بسیاری از نمونه‌های نیمه قیمتی، تمامی نیاز خود را از طریق واردات تأمین می‌نماید، راه قاچاق و واسطه‌گری نیز در کنار این بازار پرسود به راحتی شکل گرفته و حجم قابل توجهی از نیاز بازار را فراهم می‌آورد. این امر باعث ایجاد عدم شفافیت و به وجود آمدن دشواری‌های بسیار در مقوله پیگیری و تهیه آمارهای دقیق می‌گردد و بالطبع این نمونه‌ها از لحاظ منشأ، قیمت و اصالت نیز مورد رصد و بازرسی مناسب قرار نمی‌گیرند. لذا به روز رسانی قوانین و آیین‌نامه‌ها از نیازهای اصلی شکل‌گیری یک بستر مناسب تجاری برای دادوستد شفاف و سالم جواهرات می‌باشد. بهره‌گیری از خبرگان حوزه اقتصاد در کنار فعالان مطلع این صنعت می‌تواند به تدوین و پیشنهاد راهکارهای مناسب و مثبت در این مبحث منجر شود که با کمک دولت و نهادهای قانون‌گذاری، راه را برای اصلاح و رشد این صنعت هموار نموده و بازارهای موازی و غیرقانونی را به تدریج از بدنه این صنعت حذف نماید.

بحث و نتیجه‌گیری

- ۱- پتانسیل بالای بازار جواهرات ایران و امکانات بالقوه آن باعث خواهد شد تا به صورت بنیادین، ساختار آن مورد بازنگری قرار گرفته و سازوکار نوینی در آن پیاده‌سازی گردد.
- ۲- برای عبور از بازار سنتی نیاز است تا هم در سطح فعالان این صنعت و هم در بین مخاطبان، نوعی همگام‌سازی و بروز رسانی منطبق بر استانداردهای جهانی صورت پذیرد. این امر می‌بایست با ارتقاء سطح آگاهی و علمی هر دو گروه همراه باشد. از سوی دیگر ایجاد عرصه برای شکل‌گیری نگاه جدید و فراهم آوردن بستر مناسب برای بروز خلاقیت و تنوع در تمامی جنبه‌ها، از الزامات یک جهش همه‌جانبه در صنعت جواهرات کشور می‌باشد.
- ۳- تنظیم شیوه‌نامه‌ها و استانداردهای ملی و تشکیل نهادهای نظارتی و تحقیقاتی مرجع، راه را برای همسان‌سازی سطح علمی، مهارتی و فنی هموار ساخته و سیستمی یکپارچه را در صنعت جواهرات کشور پدید می‌آورد.
- ۴- ایجاد حس اعتماد و شفاف‌سازی در تجارت جواهرات از اصول خدشه‌ناپذیر و تأثیرگذار در این صنعت بوده و اهرم‌های نظارتی و کنترلی، باعث نهادینه شدن این امر در کشور می‌باشند.
- ۵- همکاری‌های بین‌المللی در ارتقاء جایگاه فعلی صنعت جواهرات کشور بسیار مهم بوده و از عوامل تسهیل‌کننده در جهت پیاده‌سازی ساختار جدید، شناخته می‌شود. همچنین آموزش یکپارچه و مبتنی بر یک استاندارد ملی با سطح علمی مطلوب برای تربیت نیروی کار خبره و متخصص، به‌عنوان یک نیاز اصلی در نظر گرفته شده و سیاست‌گذاری کلانی را در بخش آموزش طلب می‌نماید.



- ۶- ایجاد انگیزه ورود به بازارهای جهانی و الزامات این امر، تحولی ساختاری را در تمامی عرصه‌های صنعت جواهرات به وجود آورده و پتانسیل‌های موجود بومی را در جهت تحقق این مقوله آزاد می‌سازد.
- ۷- توجه به مبحث تراش و مقوله گوهرشناسی و تجهیز لابراتوارها و کارگاه‌های مجهز شاخص در این حوزه‌ها، تأثیر مستقیم بر وجهه بازار جواهرات داشته و سطح کمی و کیفی محصولات را به شدت ارتقاء می‌دهد.
- ۸- مساعدت‌های قانونی و کمک‌های دولتی در تسهیل شکل‌گیری بازار پویای جواهرات کشور بسیار مؤثر بوده و راه ایجاد واسطه‌گری، قاچاق و بازارهای غیرقانونی موازی را سد می‌نماید. این امر باعث ایجاد بستری شفاف و قابل کنترل در مسیر تجارت جواهرات کشور شده و تداوم آن را تضمین می‌نماید.

منابع فارسی

- ۱- دانائی، منوچهر، فرهنگ گوهرشناسی و گوهرها، چاپ دوم، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۳
- ۲- علی‌مردانی، وحید، گوهرتراشی ۱، انتشارات الیاس، ۱۳۹۳
- ۳- بصیری، محمدحسین، راهبردهای توسعه صنعت سنگهای قیمتی در ایران، مجله علوم زمین، شماره ۷۶، ۱۳۸۹

References

- 1- Naylor, Thomas, The underworld of gemstones, Crime, Law and Social Change, Vol 53, Issue 4, 2010
- 2- Li, Shaomin, The Effect of the Governance Environment on Marketing Channel Behaviors: The Diamond Industries in the U.S., China, and Hong Kong, Journal of Business Ethics, Vol 88, 2009
- 3- Moraes, Caroline, Understanding Ethical Luxury Consumption through Practice Theories: A Study of Fine Jewellery Purchases, Journal of Business Ethics, online edition, 2015
- 4- D'Arpizio C. Luxury goods worldwide market study (11th Edition). Bain and Company, 2012.

